



Analyzing the role of cognitive metaphors of spatial prepositions in explaining and transmitting the idea of prophecy in the Qur'an

Maryam tavakolnia¹, Valiulah hasoomi^{*2}

¹PhD student in Nahjul Balagha, Ayatollah Haeri University, Meybod, Iran.

²* Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Sistan and Baluchestan University. Zahedan, Iran.

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
12/12/2021
Accepted:
29/05/2022

ABSTRACT

The language of the Qur'an is a language understandable to all and is organized in a structure consistent with human cognition. The use of the letters Jar and the adaptation of their spatial-sensory concept and their experience with the abstract and spiritual realms is an example of the adaptation of the language of the Qur'an to human thoughts. The present article seeks to examine the metaphorical role of prepositions in explaining the doctrinal concepts related to prophecy by descriptive-analytical method and using the basics of cognitive semantics. Findings show that conceptual metaphors, pictorial metaphors play an important role in expressing the authorities of the prophets. In some verses, God has expressed the doctrinal statements of the prophets using the prepositions and the cognitive meaning of the metaphors derived from these words. In such a way that the role of these cognitive mechanisms in representing concepts such as role model, infallibility, superiority, being dear to God, protecting people's faith and divine knowledge and in general tasks, attributes, teachings, is undeniable and mainly for conceptualizing such Concepts of human existence, objects, vessels and objects and structures and basic concepts such as light, force and obstacle, building and high directions, front, center are used. To use the physical nature of the human mind to explain the doctrinal statements of the prophets.

Keywords: cognitive semantice, conceptual metaphor, preposition, prophethood

Cite this article: tavakolnia, Maryam. Hasoomi, Valiulah.(2023). *Analyzing the role of cognitive metaphors of spatial prepositions in explaining and transmitting the idea of prophecy in the Qur'an*, Vol. 14, New Series, No.50, Winter 2023: pages: 71-91.



DOI: 10.30479/lm.2022.16626.3340

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** valiulah hasoomi

Address: Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Sistan and Baluchestan University. Zahedan, Iran.

E-mail: dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir

تحلیل نقش استعاره‌های شناختی حروف جر مکانی در تبیین و انتقال انگاره نبوت در

قرآن

مریم توکل‌نیا^۱، ولی اله حسومی^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری رشته نهج البلاغه، دانشگاه آیت الله حائری، میبد، ایران

^۲ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	زبان قرآن زبانی قابل فهم برای همگان است و در ساختاری منطبق بر شناخت بشری سازماندهی شده است. استفاده از حروف جر و انطباق مفهوم مکانی-حسی و تجربه شدهی آن‌ها با حوزه‌های انتزاعی و معنوی، نمونه‌ای از تطبیق زبان قرآن با افکار انسان است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مبانی معناشناسی شناختی به دنبال آن است که نقش استعاره‌های حروف در تبیین مفاهیم اعتقادی مربوط به نبوت را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های تصویری نقش مهمی در بیان مقامات انبیاء ایفا می‌کنند. به گونه‌ای که نقش این سازوکارهای شناختی در بازنمایی مفاهیمی چون الگو بودن، عصمت، برتری، عزیز بودن نزد خداوند، محافظت از ایمان مردم و معارف الهی و به طور کلی وظایف، صفات، آموزه‌ها، غیر قابل انکار بوده و عمدتاً برای مفهوم‌سازی این دست مفاهیم از هستی انسان، اشیاء، ظرف و مظهر و ساختارها و مفاهیم بنیادینی چون نور، نیرو و مانع، ساختمان و جهات بالا، جلو، مرکز استفاده شده است. تا با استفاده از خصیصه جسمانگی ذهن بشر، گزاره‌های اعتقادی مربوط به پیامبران تبیین گردد.
دریافت:	۱۴۰۰/۰۹/۲۱
پذیرش:	۱۴۰۱/۰۳/۰۸
کلمات کلیدی:	معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، حروف جر، نبوت.

استناد: توکل‌نیا، مریم؛ حسومی، ولی اله. (۱۴۰۱). تحلیل نقش استعاره‌های شناختی حروف جر مکانی در تبیین و

انتقال انگاره نبوت در قرآن، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره پنجاهم، زمستان ۱۴۰۱: ۹۱-۷۱.

DOI : 10.30479/lm.2022.16626.3340



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

طبق یافته‌های زبان‌شناسی شناختی، ذهن و زبان دو روی یک سکه‌اند و مقولات زبانی جدای از فرایند شناختی انسان نیستند. با این فرض معرفت‌های فرامادی حوزه دین، در قالب تجارب و فضاها گوناگون مادی قابل بررسی است؛ زیرا ذهن جسمانی انسان حقایق مجرد و مفاهیم متعالی را با استفاده از مفاهیم حسی ادراک می‌کند. امروزه یکی از فنون شناخته شده و مسلم تحلیل مضمون در مقولات اعتقادی که فرا حسی و پیچیده می‌نمایند، استعاره‌های مفهومی است که با ساده‌سازی و مدل‌سازی کردن این مفاهیم موجبات فهم و انتقال آن‌ها به دیگران را فراهم می‌کند.

از طرفی اعتقاد به نبوت یکی از اصلی‌ترین پایه‌های اعتقادی جامعه اسلامی محسوب می‌شود که چون در تفکر عرب‌های زمان صدر نزول، یا به کلی مفهومی نا آشنا بود و یا مفهومی بود که نیاز به باز تعریف و نهادینه شدن تعریف جدید در قوه شناخت مخاطبان قرآن داشت. از این رو در زبان قرآن برای تبیین انگاره نبوت از حروف و نقش بازنمایی مکانی آن‌ها جهت تبیین حوزه مفهومی نبوت استفاده شده تا به راحتی در تفکر اعتقادی جامعه قرار گیرد؛ بر این اساس، مسئله و دغدغه اصلی که مؤلفان را واداشت تا به بررسی این موضوع بپردازند، این بود که مفاهیم حوزه اعتقادی نبوت در زبان قرآن با چه سازوکاری در اذهان مخاطبان جاری شده‌اند؟ همین مسئله باعث شد، با یافته‌های زبان‌شناسی شناختی به تحلیل و تفسیر این اصل اعتقادی پرداخته شود؛ تا علاوه بر تحلیل و تفسیر آیات مربوط به انگاره نبوت، میزان بسامد و پراکندگی حروف در این حوزه را مشخص نماید. از این رو، بررسی کارکرد حروف در استعاره‌های مفهومی و استعاره‌ی تصویری، ابزاهای مناسبی برای به دست آوردن فهم تازه از آیات مربوط به حوزه نبوت محسوب می‌شوند؛ چراکه مباحث اعتقادی مانند فهم جایگاه، وظایف، نقش‌ها و صفات انبیاء در متن قرآن از نظر دینی همواره حائز اهمیت است. به این منظور، با تمرکز بر روی معنای استعاری حروف جر مکانی، کیفیت تبیین مفاهیم حوزه انبیاء از این طریق مورد توجه قرار گرفته و پاسخ‌گویی به سؤالات زیردنبال می‌شود:

۱. نقش و عملکرد سازوکارهای استعاری بر خواسته از حروف جر مکانی، در آیات اعتقادی پیرامون نبوت چگونه تحلیل می‌شود؟
۲. مهم‌ترین مفاهیم مقصد در انگاره اعتقادی نبوت کدامند و میزان پراکندگی حروف جر مکانی در تبیین این مفاهیم به شکلی است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

استعاره در نگاه شناختی مبحثی است که در پژوهش‌های زیادی به آن پرداخته شده است. از جمله آثاری که در این باب نگاشته شده، جرج لیکاف و مارک جانسون (۱۹۸۰) در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها

زندگی می‌کنیم) (۱) هستند، که استعاره و ماهیت آن در رویکرد شناختی را طرح کرد و تعریف متفاوتی از آن ارائه کردند. به نظر آنها استعاره درک چیزی بر اساس چیز دیگر است و استعاره مخصوص زبان نیست بلکه مقوله‌ای شناختی است. عبدالله الحراصی (۲۰۰۲) در کتاب «دراسات فی الإستعاره المفهومیة» پس از تحلیل استعاره از بعد شناختی، به بررسی نقش استعاره در تشکیل مفاهیم فلسفی، دینی و سیاسی و مفاهیم اخلاق در فرهنگ عربی پرداخته است. قائمی‌نیا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با موضوع «نقش استعاره‌های مفهومی در تفکر دینی» بعد از مقایسه استعاره در زبان‌شناسی جدید و سنتی به تحلیل شناختی جایگاه و نقش تأثیرگذار استعاره در خلق اندیشه‌های جدید و جهت‌دهی به تفکر دینی و به تبع آن تأثیر استعاره در اندیشه و جهان بینی اسلامی پرداخته است. کردزعفرانلو کامبوزیا و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهش «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» بعد از تبیین چارچوب نظری استعاره به استعاره‌ی جهتی بالا و پایین در آیات قرآن پرداخته و با بررسی این آیات درک جدیدی از مفهوم‌سازی این نوع استعاره در ساختار قرآن ارائه کرده‌اند. پورابراهیم (۱۳۹۴) در نوشتار «سازوکارهای شناختی و نقش آنها در مفهوم‌سازی دعا» با استفاده از فرازهای دعایی که عمدتاً از صحیفه انتخاب شده‌اند، به توضیح نقش این سازوکارهایی شناختی در مفهوم‌سازی دعاها می‌پردازد. اما استعاره‌های شناختی ایجاد شده با حروف جر مکانی در آیات اعتقادی، موضوعی است که تاکنون در مطالعات شناختی به آن توجه نشده است که در این پژوهش، با استخراج و تحلیل استعاره‌های مفهومی حوزه نبوت تلاش می‌شود کیفیت مفهوم‌سازی‌ها در این گونه آیات را تبیین نماید.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تبیین نظریه استعاره مفهومی

در نظریه استعاره‌های مفهومی، جنبه‌های از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شوند و در آن از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۸۰: ۱۱). طبق دیدگاه سنتی، استعاره در کنار دیگر اقسام بلاغی مثل تشبیه، اغراق و... ماهیتی اساساً حاشیه‌ای و تزئینی را در زبان ادبی ایفا می‌کرد، اما در نگاه جدید استعاره، درک و تجربه‌ی چیزی به صورت چیز دیگر است که دارای بنیادی مفهومی‌اند و مربوط به اندیشه است، نه زبانی (پور ابراهیم، ۱۳۹۳: ۶۵؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۰)

از آنجایی که حروف نقش مکانی‌سازی را در عبارات ایفا می‌کنند، این مکان‌ها زیر ساخت مفهوم مبدأ را در نگاشت استعاری شکل می‌دهند که با انتقال به مفهوم مقصد معنای استعاری ساخته می‌شود حوزه‌ی مبدأ، شامل مفاهیم و تجربیات محسوس بوده و حوزه‌ی مقصد مفاهیم غیرمادی و نامحسوس را پوشش می‌دهد (گلفام و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲). قرآن کریم با به خدمت گرفتن حروف مکانی در استفاده

از استعاره‌های شناختی جایگاه ویژه‌ای دارد و پراکندگی استعاره‌های موجود در حروف در آیات نشان می‌دهد که مفاهیم بسیار پیچیده چون مفهوم نبوت در قالب مفهوم مکانی و استعاری حروف قابل فهم است که در ادامه با تمرکز بر چگونگی گسترش معنایی حروف جر مکانی به روش استعاری، نقش و کارکرد آن‌ها در تبیین مسائل اعتقادی راجع به مباحث نبوت تحلیل و تشریح شود.

۲-۲. انواع استعاره‌ها

در این قسمت به تحلیل کارکرد انواع استعاره‌های موجود در حروف مکانی برای تبیین انگاره نبوت پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱. استعاره وجودی

استعاره‌ی وجودی شامل استعاره‌های پدیده‌ای یا مادی، جاندارپنداری و استعاره‌های ظرف می‌شود. (پور ابراهیم، ۱۳۹۴: ۳۲) در آیات قرآن جهت تبیین مقام انبیاء این ساز و کار شناختی با کاربرد حروف استفاده شده است.

۲-۲-۱-۱. جاندارانگاری

در برخی از گزاره‌های مربوط به منصب نبوت در قرآن، خصایص، وظایف، آموزه‌ها و افعال انبیاء با تشخیص انسانی و حیوانی نمود زبانی یافته است.

برای نمونه در آیه ۲۴۸ بقره خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ﴾؛ در این آیه (التابوت) به مثابه موجود زنده مفهوم سازی شده است که از طریق هم‌آیی با «یأتی» و حرف «فی» و «من»، صحنه آمدن (تابوت) به عنوان یک جانور زنده است که آمده نزد (کم) تا تاییدی باشد که یهود به فرماندهی طالوت اطمینان و یقین پیدا کنند. آغاز حرکت با حرف «من» از جانب رب مفهوم سازی شده است.

۲-۲-۱-۲. شیء‌انگاری

یکی از انواع استعاره‌های هستی شناختی است، که در آن مفهوم مبدا از طرحواره شی گرفته می‌شود. و در این جا بر پایه انگاره‌های هستی شناختی و اشیا فیزیکی مفاهیم پیچیده حوزه نبوت تبیین شده است. به عنوان نمونه از ویژگی‌های مهم پیامبران که قرآن بارها روی آن تاکید کرده است «عدم انتظار هر گونه پاداش» مادی و اجر در مقابل دعوت به سوی خدا و آئین حق است، به عنوان نمونه درباره حضرت هود(ع) آمده است: ﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء/۱۲۷) این موضوع در

آیات متعددی مطرح شده که بعضاً با من مفهوم‌سازی شده‌اند؛ اما در این مثال، علاوه بر حرف «من» از حرف «علی» نیز استفاده شده تا مفهوم‌سازی متفاوت‌تری را ایجاد کند. حرف (علی) معنای استعاری «در ازای» را مفهوم‌سازی می‌کند؛ ضمیر (علیه) اشاره است به مأموریت ابلاغ رسالت هود (ع) به عنوان مرزنمای (۳) جمله و (اجر) به عنوان مسیرپیما (۴)؛ با استفاده از حرف (علی) این دو مفهوم غیر فیزیکی دو شیء فیزیکی تصور شده‌اند که روی هم قرار گرفته‌اند؛ اما جسمی که در بالا قرار گرفته به لحاظ وجودی برتر بوده و جسم زیرین را محو کرده و جانشین آن شده‌است. بنابراین، (علی) بیانگر این موضوع است که از یک طرف این اجر و مزد بر انجام مأموریت رسالت با آن عظمت استعلا یافته تا بگوید اگرچه مأموریت رسالت عظیم است اما پاداش آن بر رسالت هم علو و برتری دارد. در ادامه با کاربرد حرف (من) اجر به عنوان زمینه قرار گرفته که مأموریت رسالت از آن آغاز می‌شود تا بگوید با این‌که انجام چنین عملی مستلزم پاداش است، من برای انجام آن از محیط اجر و مزد خارج شده‌ام و از شما به خاطر دریافت مزد دعوت به ایمان نمی‌کنم. به این ترتیب، تصویرسازی (من) به عنوان طرح تصویری به عنوان ساختاری جهت مفهوم (اجر نخواستن هود (ع) از مخاطباناش) واقع شده است. گویی اجر محیطی فرض شده که دارای امکانات و نعمت‌های زیادی است اما حضرت هود (ع) بدون هیچ چشم‌داشتی به این محیط و فضای حاکم بر آن، از آن خارج می‌شود تا بدین صورت مفهوم غیر مادی «عدم انتظار پاداش» را در ذهن خواننده شکل دهد.

«روحیه‌ی توکل» صفت دیگری است که انبیا به خاطر جایگاه والایی که در شناخت پروردگارشان دارند به آن متصفند، این مفهوم گاهی با توجه به استعاره‌ی وجودی حروف مکانی از آیات قرآن قابل برداشت است. مانند: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبُّكُمْ...﴾ (هود/۵۶) در شاهد فوق با کاربرد «علی» تجربه حسی (تکیه زدن از بالا بر چیزی) مفهوم مبدأ واقع شده که از آن به مفهوم مقصد (توکل و اعتماد) منتقل می‌شود؛ لذا خداوند با شیء‌انگاری امور غیر حسی در حوزه مبدأ مفهوم انتزاعی «اعتماد کردن» را در حوزه مقصد بیان می‌کند؛ از آنجایی که استعلا‌ی چیزی بر خداوند امری ناممکن است، استعلا‌ی بر خداوند به معنای اطمینان به ایشان است. (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۴۲)

۳-۱-۲-۲. ظرف انگاری

یکی از ویژگی‌های اولیاء الهی، «الگو بودن» آن‌هاست که به معنای سرمشق و مقتدا است، کسانی که صلاحیت پیروی یافته‌اند (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۲: ۲۷۷۹؛ سالاری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴). کاربرد حرف در قالب استعاره‌ی وجودی در این آیه بیانگر این موضوع است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَرَسُولِ اللَّهِ أَشْوَءٌ حَسَنَةً...﴾ (احزاب/۲۱) در این آیه برای بیان حضرت رسول (ص) به عنوان (الگوی انحصاری) از حرف (فی) استفاده

شده است؛ حضرت به عنوان ظرفی مفهومی سازی می شود که (اسوه حسنه) برای (کم) فقط درون آن قرار دارد و پیروانش جایی بیرون از این ظرف دنبال الگو نباشند.

یکی از حکمت‌های بلا و ایجاد مانع تقویت ایمان است. در برخی آیات که مبحث نبوت در آنها مطرح است طرح‌واره‌ی (مهارشدگی) با استفاده از حروف برای تبیین این موضوع استفاده شده است. نمونه: ﴿وَلَا تَخَاطَبُنِي فِي ^{الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ} _{tm}﴾ (هود/۳۷) در این آیه (الذین ظلموا) با حرف «فی» به مثابه یک ظرف مفهوم سازی می‌شوند که حضرت نوح (ع) در آن قرار دارد و همین محصوریت مانع دعای حضرت برای آنهاست و حضرت برای صحبت با خدا باید از این ظرف خارج شود. این استعاره‌ی وجودی به عنوان ساختار برای مفهوم «بازدارندگی» است. حرف (فی) با موقعیت ایستای «لَا تَخَاطَبُنِي» نیز همراه شده و (بازدارندگی) ظلم را از شفاعت نوح از کافران نشان می‌دهد. بنابراین منظور این است که، تقاضای عفو نوح برای قومش پیوسته وجود دارد، مگر این‌که با مانع ظلم روبه‌رو شود در واقع خداوند از درخواست شفاعت حضرت در میان ظالمان نهی کرده و می‌فرماید: وقتی در میان ظالمان هستی برای آنها شفاعت مکن چون حضرت درون ظرف کافران زندگی می‌کرد و خداوند می‌فرماید: در میان ظالمان مرا خطاب مکن، گویا حضرت برای این‌که بتواند برای آنها دعا کند، باید از میان آنها برود اما خروج حضرت همراه با نزول عذاب و غرق شدن آنها است. (قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۶) بنابراین انبیاء خواستار شفاعت انسان‌ها هستند اما خداوند گاهی بر سر راهشان موانعی قرار می‌دهد و آنها را از طلب بخشش برای همه منع می‌کند.

۲-۲-۲. استعاره مفهومی جهتی

حرکت مسیرپیما و موقعیت آن به مرزنا گاهی باعث شناخت مفاهیم انتزاعی می‌شود و استعاره‌ی جهتی را به وجود می‌آورد که خود مبانی مفهوم سازی حروف در آیات پیرامون مبحث نبوت را ایجاد می‌کند. (رک: پور ابراهیم، ۱۳۹۴: ۳۳) در برخی آیات کاربرد حروف، موقعیت‌ها و جهات مکانی را مفهوم سازی می‌کند که در قالب آنها مفاهیم انتزاعی حوزه نبوت مفهوم سازی شده است.

۲-۲-۲-۱. دوری و نزدیکی

برای مثال گاهی با آیاتی مواجه می‌شویم که از غفلت انبیاء سخن می‌گویند؛ اما مخالفت و غفلت از امر ارشادی است، نه معصیت و مخالفت از امر مولوی تا در نتیجه‌ی آن ترک اولی‌ای انجام شده باشد که در صورت عدم انجام آن ثواب بیشتری به دست می‌آوردند و حال که انجام شده، ثواب از ایشان ساقط شده است؛ لذا به کسی زیان نرسیده است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۴) برای پی بردن به این مبحث

به نحوی کارکرد استعاری-جهتی حروف در نمونه آیاتی پرداخته می‌شود که از آن‌ها غفلت انبیاء برداشت می‌شود.

مانند: ﴿فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ ...﴾ (طه/۱۲۰) در این آیه ضمیر (ه) مرزئما (Lm) و (شیطان) مسیریماست. با جای‌گذاری «الی»، یک فاصله بین مسیریما و مرزئما ترسیم شده‌است که در آن مسیریما بعد از طی این فاصله به نقطه‌ی پایان می‌رسد، در حقیقت «بیان بازه‌ی زمانی یا فاصله مکانی» مفهوم استعاری است که برای تبیینش از ظرفیت مکامندسازی حرف (الی) استفاده شده‌است. بین شروع حرکت و سوسه‌ی شیطان تا رسیدنش به آدم، یک فاصله قابل تصور است و سوسه سریع به حضرت آدم نرسیده‌است؛ شاید این فاصله همان حالت تردید آدم تا رسیدنش به یقین باشد که برای تفهیم آن از (الی) استفاده شده‌است، زیرا در معنای «وسوس الیه» گفته شده یعنی معنا را با صوت خفی به او القاء کرد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۱۳) مانند وقتی که کسی را با صدای آرام فرا می‌خوانی؛ که در این هنگام در دل شخص فرا خوانده شده، نوعی تردید همراه با یقین ایجاد می‌شود تا این‌که به منشاء صدا و محتوای خبرش می‌رسد و حالت تردیدش از بین رفته و او به یقین می‌رسد.

عصمت انبیاء صفت دیگری است، به معنای بازداشتن و شخص صاحب عصمت با این‌که قدرت به دوری از طاعت و انجام دادن گناه دارد، هرگز خطا از او رخ نمی‌دهد؛ بلکه میل به آن هم ندارد. ابن فارس، ۱۴۲۲: ۷۵۱، ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۷۹۵) در آیه ذیل برای قابل درک کردن این صفت از کارکرد جهتی حروف استفاده شده‌است: ﴿وَمَا يُنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ (۳/نجم) با توجه به معنای مرکزی حرف «عن» که مفهوم «مجاوزه» مسیریما از مرزئما را شبیه‌سازی می‌کند، نطق پیامبر (ص) عنصر متحرکی فرض شده که با استفاده از حرف نفی (ما) از مکان هوی و هوس دور مفهوم سازی شده و هیچ‌گذری از آن ندارد.

۲-۲-۲-۲. مرکز و پیرامون

مقام رهبری انبیاء ایجاب می‌کند که با مردم «نرم‌خو» باشند؛ و در برابر خشونت افراد نادان و متعصب تا آن‌جا که امکان دارد نرمش به خرج دهند تا در قلوب افراد مختلف از طریق محبت نفوذ کنند، و این یکی دیگر از اوصاف بارز آن‌ها است که با معنای استعاری جهتی حرف (من) در آیه‌ی ذیل مفهوم‌سازی شده‌است: ﴿...وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/۱۵۹) در این آیه حرف (من) آغاز حرکت مسیریماهای متعدد را از مرزئمایی که در مرکز یک محیط مدور قرار گرفته‌است را نشان می‌دهد که گویی از آن مکان دور می‌شوند. به تعبیر دیگر، حرف (من) بر مبنای طرح‌واره فضایی «مرکز - پیرامون» معنای استعاری «فاصله» را کدگذاری می‌کند و به این ترتیب مفهوم پراکنده شدن مردم

را از اطراف پیامبر^(ص) نشان می‌دهد. در این امکان عدم کاربرد (من حولک) وجود داشت و می‌توانست بگوید (پراکنده می‌شدند) اما از حرف (من) و واژه‌ی (حولک) استفاده شد تا فاصله گرفتن مردم را در صورت نبود جاذبه محبت و نرم‌خویی تبیین کند. گویی وقتی این نیروی جاذبه وجود دارد همه از اطراف به سوی مرکز جذب می‌شود و زمانی هم که این نیرو از میان برود، مرکزیت محور از بین رفته شعاع‌های متصل به مرکز از هم گسسته و فاصله می‌گیرند. از همین‌روست که خداوند به پیامبرش دستور نرم‌خویی لطافت با مردم می‌دهد.

۳-۲-۲. جلو-عقب

یکی از موضوعاتی که در آیات اعتقادی نبوت، حائز اهمیت است، بحث «تعهد و مسئولیت‌پذیری» انبیاء است. به عنوان نمونه این مفهوم با استفاده از دو حرف (الی و عن) از طریق طرح واره جلو-عقب در این آیه مفهوم سازی شده است: ﴿اتَّبِعْ $\frac{ma'wji}{tr}$ إِلَيَّ $\frac{lm1}{tr}$ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ $\frac{lm2}{tr}$ الْمُشْرِكِينَ﴾ (۱۰۶/انعام) حروف به‌کار رفته در این آیه طرح‌واره‌ی حرکتی جلو-عقب را نشان می‌دهد، به این صورت که آموزه‌های وحیانی در جهت مکانی جلو و پیامبر در عقب سر آن مفهوم‌سازی می‌شود. در ادامه نیز رویگردانی از (اعرض+عن) برگشتن به سمت عقب را مدل‌سازی می‌کند که بر مبنای این دو حوزه محسوس، دو مسئولیتی که بر عهده‌ی پیامبر^(ص) نهاده شده مفهوم‌سازی شده‌است. با حرف (الی) دنباله‌روی مسیرپیما از مرزنا با فعل (اتبع) ترسیم شده‌است، لذا معنای استعاری که از تصویرسازی برداشت می‌شود، «ارجاع و احاله» است، زیرا وقتی امری را به کسی ارجاع می‌دهیم در پی ایجاد مسئولیت برای آن شخص در قبال مرجوع هستیم به این ترتیب، در قبال وحی‌ای که به سوی پیامبر^(ص) فرستاده شده ایشان مسئولیت و وظیفه تبعیت و پیروی را بر عهده گرفته‌است. در ادامه‌ی آیه نیز براساس موقعیتی که «أَعْرِضْ» ایجاد کرده و هم‌چنین کاربرد شناختی حرف «عَنْ» چنین بر می‌آید که وظیفه‌ی پیامبر^(ص) ستیز با مشرکان است و نقش استعاری حرف «عَنْ» «بیان حالت» است لذا (روی گردان) مسیرپیما از مرزنا همان حالتی است که پیامبر^(ص) طبق اوامر الهی موظف به انجام آن است و نباید سیر و عبوری به محیط مشرکان داشته باشد و باید گفت، «أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» جنبه‌ای از وحی است که باید از آن پیروی شود. گویا در صورت ورود به زمینه‌ی مشرکان، فرمان به تبعیت از وحی انجام نشده‌است و مسئولیتی که در ابتدای آیه مطرح شد، انجام نمی‌گیرد.

۴-۲-۲. بالا-پایین

در آیات زیادی نیز برای نشان دادن مرتبه برتر انبیا با استفاده از حرف جر «علی» و با استفاده از استعاره مفهومی «برتر بالا است» به معرفی و توصیف پیامبران پرداخته شده‌است. برای مثال خداوند می‌فرماید:

﴿قَالَ يَا $\frac{tr}{tm}$ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي﴾ (اعراف/۱۴۴) در این مورد حرف علی موقعیت بالا را نشان می‌دهد که علاوه بر آن مفهوم مبدأ هم می‌باشد و در نگاشت با موقعیت برتر حضرت موسی^(ع) قرار گرفته و مفهوم مقصد یعنی (شأن و مقام والای) حضرت را نسبت به سایر مردم که پایین تر هستند، مفهوم‌سازی می‌کند.

۲-۲-۳. استعاره ساختاری

در این نوع استعاره چندین سازوکار استعاری-شناختی باهم گره می‌خورند و کلیتی شناختی را به‌دست می‌دهند که متفاوت از موارد روزمره‌ی تفکر است، یعنی ممکن است در شکل‌گیری یک استعاری ساختاری استعاره‌های وجودی، جهتی و تصویری هم دخالت داشته باشند. (پور ابراهیم، ۱۳۹۴: ۳۶) در واقع یک مفهوم بی ساخت در قالب یک مفهوم ساختمند ترسیم شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳-۱. پیامبر به مثابه زمان

چنانچه در شواهد ذیل با کاربرد حروف، «زمان به مثابه مکان» فرض شده که استعاری ساختاری است که در دل آن رد پای استعاری جهتی نیز دیده می‌شود. مانند: ﴿قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ با توجه به معنای کانونی حرف (حتی) که بیانگر انتهای غایت غیر صریح است، در این آیه حتی، انتهای صریح را بیان می‌کند. بنابراین، شیء متحرک بعد از طی یک مسیر به مقصد خود رسیده است، چنانچه مفهوم استعاری «صبر و بیان بازه‌ی زمانی» بر مبنای این طرح‌واره ترسیم شده‌است؛ یعنی زمان به مثابه مکانی لحاظ شده، که مسیریما این مکان را طی کرده تا به انتهای آن می‌رسد. پس (حتی) مقاومت حضرت را در سؤال نپرسیدن تا سپری شدن یک مدت زمان معین را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر (حتی) فاصله‌ی زمانی سوال نپرسیدن حضرت موسی^(ع) تا شروع سخن خضر با ایشان را نشان می‌دهد. در واقع همان مدت زمانی که موسی^(ع) باید بر آن صبر می‌کرد، اما فعل «أَحْدِثَ» که به معنای، آغاز سخن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۴۷۶) آن را نقض کرده است.

۲-۲-۳-۲. انبیا به مثابه پیک و نامه رسان

در موارد بسیاری برای مفهوم‌سازی وظایف پیامبری از لفظ «رسول+الی» استفاده شده‌است. مثلاً در آیه ۱۵۸ سوره اعراف آمده است: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف/۱۵۸) در این آیه رسول به همراه حرف (الی) بکار رفته‌است و حرکت پیک را به سوی مقصد (این‌جا مردم) نشان می‌دهد. در میان اعراب ریشه واژه رسول، الرسل به شتری که نرم و آهسته راه می‌رود یا هر حیوان دیگری که این

خصیصه را داشت گفته می‌شد، بعد از آن برای نامیدن کسی که با مدارا و نرم‌خو بود و در رفتار و گفتار آرامش داشت استفاده می‌شد. (رک: ابن فارس ۱۴۲۲: ۳۹۲/۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۷۲۰/۲-۲۸۴/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ز ۲۸۰/۱۴) و از این معنا در مفهوم دوست شدن و مأنوس شدن با کسی یا چیزی گسترش یافت (رک: ابن سیده، ۱۴۲۱: ۴۷۳/۸) اما در کاربرد اسلامی واژه رسول کسی را گویند که با خداوند انس گرفته و از سوی ایشان حامل اخبار مهمی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۷۱/۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۸۰/۱۴) اگر به روند شکل‌گیری واژه رسل دقت شود بر مبنای تجربه حرکت آرام و نرم شکل گرفته‌است و این تجربه مفهوم مبدایی قرار گرفته برای مفهوم‌سازی حالت شخصی که رابط خدا با بنده‌اش است. تا هم تدریجی بودن این اتفاق را بیان کرده و هم اشاره‌ای به حالت آرامش بخشی داشته باشد که برای نبی رخ می‌دهد و بعد خصیصه راهنمایی انبیاء برای سایر مردمان حاصل شده و آن‌ها را از آشفتگی‌های روحی و جسمی که به خاطر بی قانونی عارضشان بود، می‌رهاند. بنابراین واسطه بین خدا و بنده بودنشان، در قالب پیک و پیغام رسان تشریح شده که این رسالت را به درستی انجام داده‌اند.

۳-۲-۲. نبوت به مثابه نور

نور همواره نقش اساسی در تبیین آیات مربوط به نبوت داشته است و در اکثر ادیان و مذاهب برای انتقال مقاصد به مخاطبان از نماد نور بهره گرفته شده است. (رک: نزهت، ۱۳۸۸: ۱۵۶) در قرآن نیز برای تبیین مفاهیم اعتقادی حوزه نبوت و مفاهیم دیگری که حول محور آن شکل گرفته، مثل وحی، قرآن و آموزه های پیامبر از نماد نور برای ساختن آن‌ها استفاده شده است. برای مثال خداوند می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده/۱۵) بر طبق این عبارت حضرت رسول (ص) به عنوان نوری که از منشأ و مصدر خود یعنی از سوی خداوند نشأت گرفته توصیف می‌شود. به این صورت که با جاندار پنداری و قرار گرفتن «مقام روشنگر و هدایت کننده» پیامبر (ص) در قالب نور، حوزه مبدأ بر حوزه مقصد نگاشت یافته و نتیجه نگاشت هم این است که همانطور که نور با وضوح فضا انسان را از ابهام خارج می‌سازد حضرت رسول (ص) هم با آموزه های الهی و علوم خود انسان را از جهالت خارج می‌کنند. نکته دیگر این که حرف (من) به همراه جاء خروج این نور را از منبع نور یعنی رب نشان می‌دهد که بیانگر اتصال علمی حضرت به پروردگار است.

۴-۲-۲. استعاره‌های تصویری

تصویر آفرینی به کمک استعاره‌های شناختی یکی دیگر از زیبایی‌های زبان قرآن در استعمال حروف است؛ انطباق دو تصویر برهم بدون این که از نقطه اشتراک این انطباق سخنی به میان آید؛ مثلاً در تعبیر «قیر شب» این که کدام ویژگی شب بر کدام ویژگی قیر منطبق می‌شود، چیزی نمی‌گویند. اما ما، بر اساس

شکل رایج این دو، به درستی می‌فهمیم که چه چیزی بر چه چیزی منطبق شده، همین امر است که، به اعتقاد کوچش، باعث شده «استعاره‌های تصویری، علاوه بر زبانی بودن، مفهومی نیز باشند.» (پور ابراهیم، ۱۳۹۴: ۲۹) در برخی آیات با استفاده از حروف مکانی یک تصویر را بر تصویر دیگر منطبق می‌کند بدون این‌که بعد خاصی از مفهوم مبدا و مقصد مدنظر باشد.

۱-۴-۲. حفاظت از انبیاء

کاربرد حروف در برخی آیات اعتقادی ایجاد رابطه‌ی ظرف و مظروف بین مسیریما و مرزنا است که نشأت گرفته از تجارب روزمره‌ی انسان است. در متون دینی این تجربه‌ی فیزیکی به مفاهیم دیگری که به لحاظ جوهری یا مفهومی حجم ناپذیرند، بسط داده شده است. (رک: محمدی آسیابادی، ۱۳۹۱: ۱۴۷، خسروی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹) به عنوان نمونه در آیه زیر کاربرد حجمی حروف، حالت «حفاظت و پناهگاه بودن» مرزنا برای انبیاء را محسوس کرده است: ﴿... إِذْ تُفِي الْمَرْءَ الْغَارَ...﴾ (توبه/۴۰) آیه اشاره دارد به معجزه پیامبر^(ص) و غار که از حضرت حفاظت کرد. ابتدا باید گفت فضایی که بر این آیه حاکم است، از اخراج و ترس و حزن سخن می‌گوید که متضمن معنای ناامنی است از همین‌رو، خداوند با کاربرد حرف فی، تصویر قرار گرفتن یک عنصر متحرک را درون یک مکان نشان می‌دهد که با تصویر مستقر شدن پیامبر^(ص) و همراهش درون غار منطبق شده است؛ لذا بدون این‌که به امن بودن فضای غار اشاره کند، خود مخاطب با انطباق این دو تصویر، به نقطه اشتراک آن پی می‌برد؛ زیرا حرف «فی» مفهوم ظرفیت را بیان می‌کند و ظرف محافظ محتوای خودش است. پس غار نیز محل امنی برای پیامبر^(ص) و همراهش می‌باشد که این مفهوم با خاصیت استعاره‌ی تصویری حرف (فی) در آیه برجسته شده است.

۲-۴-۲. درخواست‌ها و دعا‌های پیامبران از خداوند

دعا و درخواست به معنی فراخواندن و عرض نیاز به درگاه الهی و خواستن نیازمندیها از اوست که از فضل نامتناهی‌اش به نوید ﴿ادعونی استجب لکم﴾ هر که او را بخواند درهای سعادت به روی او گشاده شود. (عطایی، ۱۳۸۸: ۵۹) یکی از کاربردهای استعاره‌ی حروف مفهوم سازی این درخواست‌ها و دعاها انبیاء است. به عنوان نمونه در آیه‌ی ذیل با استفاده از حرف (الی) تصویر (سقوط) مفهوم سازی شده که خود پیش مفهوم و مبنای معنای استعاره «میل و خواستن» قرار گرفته است: ﴿فاجعل^{افئدة} من الناس تهوی^{tr} الی^م﴾ (ابراهیم/۳۷) در این جمله‌ی دعائی از واژه‌ی «تهوی» که به معنای سقوط است. (بستانی، ۱۳۷۶: ۹۴) و حرف (الی) استفاده شده و دو تصویر «سقوط اجسام» با تصویر «سقوط دل‌ها» از هم الگو برداری شده‌اند. یعنی ما از تصویر سقوط اجسام، تصویر سقوط دل‌ها را الگو برداری می‌کنیم و همین امر است

که مفهوم درخواست حضرت ابراهیم^(ع) از خداوند مبنی بر «میل شدید» مردم به سوی فرزندانش را در ذهن ایجاد می‌کند بدون این‌که به این درخواست اشاره‌ای شده باشد. سقوط یک جسم از ارتفاع برای رسیدن به یک غایت، نشانه سرعت پیوستن آن جسم به آن مقصد است؛ لذا از این مفاهیم فهمیده می‌شود که حضرت خواستار گرایش مردم به فرزندانش در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. از طرفی فرایند رسیدن دل‌ها با ضمیر «هم» که منظور از آن فرزندان حضرت ابراهیم است، پایان یافته است تا تمایل انسان‌ها را با رسیدن به مرزنا پایان دهد، که دیگر از آن گذری نداشته و در آن ماندگار شده‌است.

نمونه‌ی دیگر: ﴿...رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ...﴾ (یونس/۸۸) در این آیه در دو مورد از حرف (عَلَى) استفاده شده‌است که در هر دو مورد کارکردی استعاری- تصویری وجود دارد. از تصویر قرار گرفتن اجسام برهم، دو تصویر دیگر یعنی «استعلاى محو و نابودی بر اموال» و تصویر «گره زدن بر روی قلوب» الگو برداری شده‌است، هر چند حرف «عَلَى» مشخص نمی‌کند که کدام ویژگی استقرار دو جسم بر روی هم با کدام ویژگی استعلاى نابودی بر روی اموال منطبق شده‌است اما بر اساس نقطه‌ی اشتراک این دو می‌توان فهمید ویژگی مشترک بین آن دو، مفهوم «تسلط» است و می‌توان چنین تحلیل کرد که این‌جا دعای حضرت، مبنی بر تسلط محو و نابودی بر اموال فرعونیان است. گویا حضرت خواستار نابودی تمام و کمال اموال آن‌هاست. بنابراین، منظور تغییر و دگرگونی کارکرد اموال نیست، چنان‌که برخی تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۳۴۶). در ادامه آیه گره زدن بر روی دل‌های آن‌ها از خداوند خواسته شده‌است؛ کارکرد استعاره‌ی تصویری حرف (عَلَى) این‌بار «ثبات و پایداری» را با انطباق تصاویر در ذهن تبیین می‌کند بدون این‌که در تعبیر به این مفهوم اشاره‌ای شده باشد. گویی دل‌های آن‌ها ظرفی فرض شده که بر روی درب این ظرف‌ها گره‌ای زده شده که نه چیزی به آن وارد و نه خارج می‌شود و محتوای آن در درونش ثابت و بی‌تغییر مانده است. از طرف دیگر، این گره‌ها در بالای آن ظروف تصویرسازی شده تا استحکام این گره‌ها را در ذهن تداعی کرده و گره‌ها را مستولی بر ظروف قرار دهد. گویا حضرت از خداوند خواسته است که محتوای دل‌های آن‌ها ثبات و بی‌تغییر بماند تا هیچ‌گاه موجبات ایمانشان فراهم نشود.

جدولی ذیل نحوه ارتباط مفهوم مبدأ و مقصد از طریق حروف جر مکانی در تبیین انگاره نبوت نشان

داده شده است.

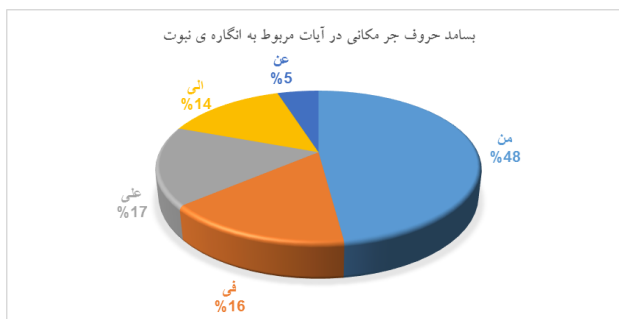
مفهوم مبدأ	حرف	مفهوم مقصد
ابتدای غایت مکانی	من	۱. تبیین برتری انبیا ۲. عصمت انبیا ۳. هدایت یافتگی ۴. نشأت مقام هدایتگری انبیا از مقام الهی ۵. در مرکز توجه بودن انبیا

۶. دستیابی به تأییدات الهی		
۱. تمایل شدید به خداوند ۲. رابط خدا و بنده بودن ۳. تبعیت و پیروی از فرامین الهی ۴. عصمت و در امان بودن از وسوسه‌های شیطان	الی	انتهای غایت مکانی
۱. صبر و استقامت ۲. روی گردان بودن از مخالفین ۳. عصمت	عن	مجاوزت و عبور از مکان
۱. در سختی بودن انبیا ۲. امن و اطمینان بودن پیامبران برای انسان‌های دیگر ۳. ممانعت از انجام گناه پیروان ۴. مالکیت و فراگیری هدایتگری حضرت رسول اکرم (ص)	فی	ظرفیت و مکان
۱. ثبات و پایداری ۲. شاهد اعمال انسان در آخرت ۳. برتری مقامی نسبت به بقیه انسانها ۴. قابل اعتماد بودن ۵. عدم انتظار پاداش از غیر خدا	علی	استعلا مکانی

نتیجه

با استخراج موارد کاربرد استعاری حروف در آیات مربوط به انگاره نبوت که به روش سرشماری انجام شد، مشخص گردید که حرف (من) با ۴۸ درصد پربسامدترین حرف در مفهوم‌سازی مفاهیم حوزه نبوت بوده و بعد از آن (علی) با ۱۷ درصد (فی) با ۱۶ درصد (الی) با ۱۴ درصد و (عن) با ۵ درصد در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

به نظر می‌آید علت کاربرد بیشتر حرف جر (من) (که به خروج مسیرپیما از مرزنا اشاره دارد) در گزاره‌های اعتقادی نبوت، تکیه بر تجربه فیزیکی کوچ و سفر مخاطبان اولیه قرآن باشد؛ زندگی کوچ نشینی تجاربی را به آنها عطا کرده بود که خداوند متعال از این تجربه برای تبیین منصب نبوت استفاده کرده است. از این رو، به فرض اگر زندگی یک‌جا نشینی، تجربه غالب مخاطبان بود، باید حرف الی که انتهای مسیر مشخص را کد گذاری می‌کند، بسامد بیشتری می‌یافت.



افزون بر آن، کاربردهای استعاری حروف جر مکانی شامل (من، علی، الی، عن و فی) در عبارات قرآنی که با روش سرشماری از بین ۵۴۷ نمونه شناسایی شد، نشان می‌دهد که در آیات قرآن ابزارهای شناختی-استعاری چون استعاره‌های مفهومی و استعاره‌های تصویری، به وسیله حروف جر مکانی در مفهوم‌سازی معنای آیات اعتقادی مربوط به حوزه نبوت نقش به سزایی دارند. از این میان نقش حرف جر (من) با بسامد بالای حدود ۲۶۲ مورد در مرتبه نخست و سپس به ترتیب حرف (علی) با ۹۲ (فی) ۸۶ (الی) ۷۹ (عن) ۲۷ مورد در تبیین مفهوم نبوت کاربرد داشته‌اند.

از این رو، انواع استعاره‌های شناختی به وسیله حروف جر مکانی، منجر به تولید و درک مفاهیم پیچیده و انتزاعی چون مفاهیم اعتقادی شده‌است، چنان‌که مفاهیم نامحسوسی چون دعا و درخواست، محافظت از انبیاء اعترافات پیامبران، عبادات یا صفات ایشان و... از طریق این سازوکارهای شناختی، محسوس و از این رهگذر در فهم این مقولات تسهیل شده‌است.

بازنمایی مفاهیم پیچیده حوزه نبوت به این شکل است که با انتقال آن‌ها به تجارب فیزیکی و فرهنگی و همچنین دانش‌ها مشترک مخاطبان، قوه شناخت آن‌ها را برای دریافت این مفاهیم آماده می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد مفاهیمی چون برتری مقامی انبیا نسبت به انسان‌های دیگر، با مفاهیم مکانی حروف جر مثل مقایسه کردن اجسام فیزیکی، مکان بالا، نزدیک و جلو و...نگاشت یافته و بازنمایی شده‌اند. مفهوم تحقق خواسته انبیا با مفهوم مکانی انتهای مسیر حرف (الی) عینیت یافته است. مفهوم (حافظت و نگه‌داری) انبیاء از آموزه‌های الهی و همچنین از معنویات و اعتقادات مردم، در نگاشت با مفهوم ظرفیت حرف جر (فی) مفهوم‌سازی شده‌است.

گاهی با استفاده از استعاره ساختاری، مفاهیم حوزه نبوت در قالب مفاهیم فرهنگی که در ادراک مردم دارای چارچوب مشخصی است، ریخته شده و به این طریق مدل‌سازی و قابل درک می‌گردد. برای مثال مفهوم (هدایتگری انبیا) در قالب مفهوم بنیادین تری چون (نشأت نور از سرچشمه) با کاربرد ابتدای غایت حرف (من) نمود زیبایی یافته است. یا وظیفه رسالت انبیاء در قالب مفهوم حرکت به سوی انتهای مقصد که از حرف جر (الی) برداشت می‌شود، مفهوم‌سازی شده‌است. مفاهیم دیگری که با این روند مفهوم‌سازی شده عبارتند از: مورد تأیید خدا بودن آموزه‌های انبیا، عدم انتظار از بندگان در قبال انجام وظایف پیامبری،

مأمن مطمئن بودن انبیا و اعتماد به آنها، الگو بودن، عصمت انبیا و عدم راه‌یابی و سوسه‌های شیطان در انبیاء، مسئولیت سنگین منصب پیامبری و عزیز و برتر بودن آن‌ها نزد خداوند و... که با اتکا بر مفهوم فیزیکی و تجربه شده‌ای که از حروف جر مکانی قابل برداشت است، به حوزه ادراک و اندیشه بشری راه یافته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Metaphors We Live By

2. Metaphor

۳. مرز نما یا زمینه (Landmark) و کوتاه‌نوشت آن lm است. نقطه ارجاع است، ثابت مکانی دارد و نسبت به عنصر متحرک بزرگتر است.

۴. مسیریما یا شکل (Trajector) که کوتاه‌نوشت آن tr است. عنصر متحرک بوده و ناشناخته و کوچک و برجسته‌تر نسبت به زمینه ثابت است.

فهرست منابع

منابع عربی

- قرآن کریم.
- ابن فارس، ابوالحسن احمد. (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس اللغة؛ بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، چ ۳.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الأعظم؛ مصحح: عبد الحمید هندداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۱.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸). جمهرة اللغة؛ بیروت: دارالعلم للملایین، چ ۱.
- ابن زبیر، احمد بن ابراهیم. (بی تا). ملاک التأویل؛ محقق سعید فلاح، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- استرآبادی، رضی الدین محمد بن حسن. (۱۳۶۶). شرح الکافیة فی النحو؛ تهران: مرتضوی.
- الحراصی، عبدالله. (۲۰۰۲). دراسات فی الاستعارة المفهومیة؛ مسقط: مؤسسة عمان للصحافة و الأنباء والنشر و الإعلان، الطبعة الثالثة.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۸۳). المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت/دمشق: دار العلم/الدار الشامیة.
- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس؛ به کوشش: علی شیر، بیروت: دارالفکر.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق: محمد جواد بلاغی، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران، چ ۳.
- طبیب، عبد الحسین. (۱۳۷۸). أطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران، انتشارات اسلام، چ ۲.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۰۷). قاموس القرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع فارسی

- بامشادی، پاسا، جواد بامشادی و شادی انصاریان. (۱۳۹۴). «بررسی معنایی سه حرف اضافہی *waela* و *aera* در کردی گورانی از دیدگاه شناختی»؛ فصلنامه: جستارهای زبانی. ش ۷، (صص ۱-۲۵).
- بستانی، فوادفرام. (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی؛ مترجم: رضا مهیار. تهران: اسلامی.
- پور ابراهیم، شیرین. (۱۳۹۴). «سازوکارهای شناختی و نقش آن‌ها در مفهوم سازی دعا»؛ زبان شناخت، ش ۱: (صص ۲۵-۴۴).
- پور ابراهیم، شیرین. (۱۳۹۳). «مفهوم سازی زندگی در زبان قرآن»؛ زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، ش ۱۰: (صص ۶۳-۸۳).
- خسروی، سمیرا، خاکپور، حسین، دهقان. (۱۳۹۳). «بررسی طرح های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی)»؛ پژوهشهای ادبی - قرآنی، ش ۴، (صص ۹۴-۱۱۲).
- رضایی، حدائق، مختاری، شهره و کرمانی، معصومه. (۱۳۹۲). «بررسی شناختی مقوله ی «بر» در گلستان سعدی»؛ نشریه پژوهش های زبان شناسی تطبیقی. ش ۶: (صص ۹-۱۹).
- سالاری، سهیلا، (۱۳۹۲)، روش های تربیتی پیامبر؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عطائی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «بحثی پیرامون دعا» مشکات، ش ۵۰: (صص ۵۶-۷۳).
- فراهانی، امیر حسین. (۱۳۸۶). ساختار نحوی منطق رجحان. فلسفه، ش ۳: (صص ۱۸-۳۷).
- قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). معناشناسی شناختی قرآن؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ، حاجیان، خدیجه. (۱۳۸۹). «استعاره های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»؛ نقد ادبی، ش ۹، (صص ۱۱۵-۱۳۹).
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد. (۱۳۸۸). «زبان شناسی شناختی و استعاره»؛ نشریه ی تازه های علوم شناختی، ش ۳: (صص ۵۹-۶۴).
- محمدی آسیابادی، علی و دیگران. (۱۳۹۱). «طرحواره ی حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی»؛ پژوهش های ادب عرفانی، ش ۲: (صص ۱۴۱-۱۶۲).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة. چ ۱.
- نزهت، بهمن، (۱۳۸۸)، «نماد نور در ادبیات صوفیه»؛ مطالعات عرفانی، ش ۹ (صص ۱۵۵-۱۸۴)

- ویسی، الخاص، اورکی، غلامحسین. (۱۳۹۴). «تحلیل ساختار زبان قرآن، در چارچوب نظریه‌ی معاصر/ استعاره»؛ پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ش ۱، (صص ۸۰-۱۰۱).
- هاوکس، ترنس. (۱۳۸۰). استعاره؛ ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چ ۲.

References

- Quran
- Ibn Faris, Abul Hassan Ahmad. (1422 AH). Dictionary of Comparative Language, Beirut, Darahiya Turas Hades.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414 AH). Beirut: Dar Sader, Print 3.
- Ibn Sayyidah, Ali ibn Isma'il (1421 AH), the strongest and the greatest environment. Editor: Abdul Hamid Hindawi, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, 1st edition
- Ibn Darid, Mohammad Ibn Hassan, (1988), Jamhra al-Lugha, Beirut: Dar al-Alam for Millions, 1st edition
- Ibn Zubayr, Ahmad Ibn Ibrahim, (undated), The Criterion of Interpretation, Mohaqeq Saeed Fallah, Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami
- Astarabadi, Razi al-Din Muhammad ibn Hassan. (1366). Enough explanation in syntax. Tehran: Mortazavi
- Bamshadi, Pasa, Javad Bamshadi and Shadi Ansarian. (1394). "Semantic study of the three prepositions æra and ta, wæl in Gorani Kurdish from a cognitive point of view". Quarterly: Linguistic Essays. No. 7, (1-25).
- Bostani, Fouadafram. (1376). Abjad culture. Translator: Reza Mahyar. Tehran: Islamic.
- Poor Ibrahim, Shirin. (1394). "Cognitive mechanisms and their role in the concept of prayer-making", Linguistics, No. 1: (25-44).
- Pour Ibrahim, Shirin. (1393). "Conceptualization of life in the language of the Qur'an, linguistics of Al-Zahra University", No. 10:, (63-83)
- Al-Harasi, Abdullah (2002). Studies in conceptual metaphor, Muscat: Oman Foundation for Books, Prophets, Publishing and Announcement, third edition.
- Khosravi, Samira, Khakpour, Hossein, Dehghan. (1393). "Study of conceptual designs in the cognitive semantics of Quranic words (focusing on volumetric, motor and power design)", Literary-Quranic Research, No. 4, (12-194).

- Ragheb Isfahani, Hussein, (1383), Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Beirut / Damascus: Dar Al-Alam / Al-Dar Al-Shamiya.
- Rezaei, Hadayegh, Mokhtari, Shohreh and Kermani, Masoumeh (2013). "Cognitive study of the category of" bar "in Golestan Saadi". Journal of Comparative Linguistic Research. No. 6:, (9-19).
- Zabidi, Morteza (1414). The bride's crown is the jewel of the dictionary. By: Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr
- Salari, Soheila, (2013), The Prophet's educational methods, Tehran: Islamic Culture Publishing Office
- abatabai, Mohammad Hussain (1417 AH). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1372). Complex of Statement in the Interpretation of the Qur'an, Research: Mohammad Javad Bolaghi, Publisher: Nasser Khosrow Publications, Tehran, 3rd Edition
- Tayyib, Abdul Hussein (1378). Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, Tehran, Islam Publications, 2nd edition.
- Ataiee, Mohammad Reza (1388). Discussion on Prayer, Problems, No. 50: (56-73).
- Farahani, Amir Hossein (1386). Syntactic structure of preference logic. Philosophy, No. 3: (18-37).
- Ghaemi Nia, Alireza. (1390). "The Cognitive Semantics of the Qur'an", Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought, 1st edition.
- Ghorashi Bonabi, Ali Akbar (1307). Dictionary of the Quran, Tehran: Islamic Library.
- Kurd Zafranloo Kambuzia, Alieh, Hajian, Khadijeh (1389). "Oriental metaphors of the Qur'an with a cognitive approach", Literary Criticism, No. 9, (115-139).
- Gulfam, Arsalan and Fatemeh Yousefi Rad. (1388). "Cognitive linguistics and metaphor. Journal of Cognitive Science News, No. 3: (59-64).
- Mohammadi Asiabadi, Ali, Sadeghi, Ismail, Taheri, Masoumeh (2012). "Volumetric schema and its application in the expression of mystical experiences", Research in Mystical Literature, No. 2:, (141-162).
- Makarem Shirazi, Nasser. (1374), Tafsir Nomoneh, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. Print 1.
- Nazhat, Bahman, (2009), The Symbol of Light in Sufi Literature, Mystical Studies, No. 9 (155-184)
- Weiss, Al-Khaz, Orki, Gholam Hussein (1394). "Analysis of the structure of the language of the Qur'an in the context of contemporary theory of metaphor", Literary-Quranic Research, No. 1, (101-80).

- Hawks, Terence. (1380). Metaphor, translated by Farzaneh Taheri, Tehran: Markaz Publishing, 2nd edition.

تحليل دور الاستعارات المعرفية للحروف المكانية في شرح ونقل فكرة النبوة في القرآن*

مريم توكل نيا، ولي اله حسومي*

^١ طالبة دكتوراه في نهج البلاغة، جامعة آية الله الحائري، مبيد، إيران

^٢ *أستاذ مشارك، قسم القرآن والحديث، جامعة سيستان وبلوشستان، زاهدان، إيران

ملخص	معلومات المقالة
لغة القرآن هي لغة مفهومة للجميع وهي منظمة في بنية منسجمة مع الإدراك البشري. إن استخدام حرف الجرة وتكليف مفهوميها الحسي المكاني وتجربتهما مع العالمين التجريدي والروحي هو مثال على تكليف لغة القرآن مع الأفكار البشرية. دراسة الاستعارات المفسرة بالحروف لتوضيح المفاهيم العقائدية المتعلقة بالنبوة نقاش تم إجراؤه في هذه الدراسة بالمنهج الوصفي التحليلي حتى بعد شرح الأسس النظرية للبحث، الدور المجازي للحروف القرآنية تم تحليلها في شكل مقترحات. إن تحليل دور الاستعارات هو مفهوم الحروف في شرح موقف الأنبياء ودراسة الاستعارات التصويرية للحروف ودورها في التعبير عن مكانة الأنبياء ودراسة الاستعارات المفاهيمية في التعبير عن سلطات الأنبياء. وقد عبر المعنى المعرفي للاستعارات المشتقة من هذه الكلمات عن الافتراضات العقائدية للأنبياء. بطريقة تجعل دور هذه الآليات المعرفية في تمثيل مفاهيم مثل القدوة، والعصمة، والتفوق، والعزيم على الله، وحماية إيمان الناس والمعرفة الإلهية، وفي المهام والصفات والتعاليم العامة، لا يمكن إنكاره وبشكل أساسي لتصور مثل هذا يتم استخدام مفاهيم الوجود البشري والأشياء والأوعية والأشياء والهياكل والمفاهيم الأساسية مثل الضوء والقوة والعائق والبناء والاتجاهات العالية والجبهة والوسط. استخدام الطبيعة الفيزيائية للعقل البشري لشرح العبارات العقائدية للأنبياء.	نوع المادة: مقالة محكمة تاريخ الوصول: ١٤٠١/٠٩/٢١ تاريخ القبول: ١٤٠١/٠٣/٠٨
الكلمات المفتاحية: دلالات معرفية، الاستعارة المفاهيمية، حروف الجر، النبوة.	

الاقتراس: توكل نيا، مريم؛ حسومي، ولي اله. (١٤٠١). تحليل دور الاستعارات المعرفية للحروف المكانية في شرح ونقل فكرة النبوة في

//القرآن، مقالة محكمة، السنة الرابعة عشر، الدورة الجديدة، العدد الخمسون، شتاء ١٤٠١: ٩١-٧١.

المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2022.16626.3340

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ع) الدولية. حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

